



چالش‌های عملی سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال توجه به مقبولیت جرم‌انگاری

میثم مهدوی شنقی^۱
شادی عظیم زاده^۲
علیرضا جمشیدی^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۶/۰۸ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۴/۰۸/۲۵

چکیده

توجه به مقبولیت عمومی در جرم‌انگاری در بستر سیاست جنایی تقنینی امری ضروری است که بی‌توجهی به آن آسیب‌هایی را به همراه خواهد داشت. اما توجه به مقبولیت جرم‌انگاری در بستر عمل نیز با چالش‌هایی همراه است که سیاست‌گذاران تقنینی با آن مواجه می‌باشند. یکی از مهم‌ترین چالش‌ها تبدیل توجه به خواست عمومی به عوام‌گرایی کیفری می‌باشد که آسیب‌هایی را به فرایند جرم‌انگاری وارد خواهد ساخت. نتایج این مقاله حاکی از آن است که با پذیرش مقبولیت عمومی جرم به عنوان یک ضرورت، ممکن است زمینه ایجاد عوام‌گرایی کیفری در مفهوم واقعی خود ایجاد شود و یا همسو شدن حاکمیت با خواست عمومی با انگیزه‌های دیگری محقق شود که تنها شباهت با عوام‌گرایی کیفری دارد که از آن به عنوان عوام‌گرایی ظاهری می‌توان یاد کرد. از سوی دیگر توجه به خواست عمومی ممکن است تنها به شکل نمایشی از سوی حاکمیت تبدیل شود و منجر به فریب افکار عمومی گردد که در برخی مواقع در مقام حمایت از منافع عمومی جنبه مثبت پیدا می‌کند.

کلید واژه‌ها

سیاست جنایی تقنینی، مقبولیت جرم‌انگاری، عوام‌گرایی کیفری، تظاهرنامی به مقبولیت، افکار عمومی.

^۱ گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. ایمیل:

meysam.mahdavi@iaui.ac.ir

^۲ گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، ایمیل:

dr.shadiazimzadeh@iaui.ac.ir

^۳ گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، ایمیل: Alireza.Jamshidi41@iaui.ac.ir

مقدمه

پذیرش جرم‌انگاری یک رفتار را از سوی مخاطبین آن قانون به‌طور کلی می‌توان مقبولیت جرم‌انگاری تعریف کرد. البته همواره افرادی هستند که به‌دلایلی که دانش جرم‌شناسی آن‌ها را شناسایی می‌کند، اقدام به شکستن قانون کیفری می‌نمایند اما منظور از مقبولیت عمومی جرم‌انگاری آن است که نظر عموم مخاطبین قانون کیفری، با جرم‌انگاری آن رفتار هم‌سو باشند. توجه به مقبولیت جرم‌انگاری دارای ضرورت‌هایی از جمله برقراری هم‌نوایی جامعه با جرم‌انگاری، مشروعیت‌بخشی به قانون کیفری و توسعه کارآمدی حاکمیت می‌باشد. نیکولو ماکیاولی^۱ در کتاب شهریار ذیل باب درباره روش حکومت بر شهرهایی که پیش از تصرف و الحاق قوانین خاص خود را داشته‌اند، روش موثر برای حکومت بر چنین شهرهایی را اعطای قدرت به اولیگارشی و منتفذین محلی با حفظ قوانین خود می‌داند و برقراری حکومت مهاجم بدون دوستی و یاری مردم را ممکن تلقی نمی‌کند و بهترین طرز حکومت را اداره شهر تصرف‌شده با خود شهروندان آنجا می‌داند (ماکیاولی، ۱۳۹۳: ۷۵-۷۶). از این گفتار این‌طور می‌توان استنباط نمود که توجه به خواست و پذیرش مردم در قوانین حاکم از ضروریات استقرار حاکمیت است. اما بی‌توجهی به این ضرورت‌ها نیز آسیب‌هایی را همچون ظهور پدیده جرم فراگیر، ظهور پدیده قانون کیفری متروک، ظهور پدیده تورم کیفری و ظهور پدیده نافرمانی مدنی به همراه خواهد داشت که بررسی این ضروریات و آسیب‌های بی‌توجهی به مقبولیت جرم‌انگاری از حیطه موضوعی این مقاله خارج است اما نفس ضرورت توجه به موضوع مقبولیت جرم‌انگاری به‌عنوان یک پیش‌فرض غیرقابل‌خدشه مورد توجه می‌باشد.

سوال قابل درنگ در اینجا آن است که آیا سیاست‌گذاران تقنینی همواره و حتی در مواجهه با چالش‌های عملی، باید به مقبولیت جرم‌انگاری توجه داشته باشند یا در برخی موارد با پدیداری این چالش‌ها در مقام عمل، در راستای منافع عمومی می‌توانند از آن عدول کنند. بنابر تعبیر خانم‌ها نا آرنٹ^۲، هنگامی که تعارض منافع پیش می‌آید، رفتار و استدلال مردم هرگز بر پایه خرد نیست و هرگاه در برابر تعارض نفع خود و نفع دنیا قرار بگیرد و قرار باشد در برابر نفع دنیا به جداسازی از نفع خود بگذرد، همواره پاسخ خواهد داد «چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام است.» (ر.ک. آرنٹ، ۱۴۰۲: ۱۱۶-۱۱۷). با قبول این امر و توجه به اینکه در برخی از موارد مردم به‌دلیل به‌شماری نفع خود به منافع عمومی با جرم‌انگاری و به‌طور کلی ممنوعیت‌انگاری یک رفتاری مخالف می‌باشند، سوال دیگری که مرع می‌گردد آن است که آیا می‌توان گاهی راه‌گزینی برای نادیده انگاشتن مقبولیت در راستای منافع جمعی در مقام مواجهه با چالش‌های عملی متصور بود؟

^۱ Niccolo Machiavelli

^۲ Hannah Arendt

سیاست‌گذاران تقنینی در مسیر توجه به مقبولیت جرم‌انگاری همواره با چالش‌هایی روبرو می‌باشند که بخشی از این چالش‌ها جنبه عملی به خود می‌گیرند. منظور از چالش‌های عملی چالش‌هایی است که سیاست‌گذاران تقنینی بعد از خروج از حیطه نظری در بستر واقعی و در مقام اجرا با آن مواجه خواهند شد. چالش‌هایی که مربوط به نحوه توجه به مقبولیت و سازوکار اجرایی آن و آسیب‌هایی خواهد بود که در پرتو توجه به مقبولیت، به وجود خواهد آمد و حتی ممکن است توجه به مقبولیت را به صورت ظاهری و غیرواقعی بروز دهد یا آنکه کنترل و مدیریت سیاست‌گذاری تقنینی را از دست سیاست‌گذاران خارج نماید و آن‌ها را در دام عوام‌گرایی بیندازد. بنابراین ضرورت دارد تا پدیده عوام‌گرایی کیفری و تبیین حدود و ثغور و ابعاد واقعی و ظاهری آن که در اثر توجه به مقبولیت جرم‌انگاری پدیدار می‌گردد و تفاوت آن با پدیده تظاهرنامی به مقبولیت با تاکید بر تبیین مفهوم اخیر مورد بررسی قرار گیرد.

در بحث از عوام‌گرایی بیان این نکته ضروری است که در حدود مطالعات نگارندگان اثری که به تفکیک عوام‌گیری را در دو بعد ظاهری و واقعی با بررسی تمایز آن‌ها، مورد بررسی قرار داده باشد، یافت نشد و این مقاله از این حیث دارای نوآوری است و ابعاد عوام‌گرایی کیفری را در هر دو بعد مورد بررسی قرار داده است و در بحث از آسیب‌های عوام‌گرایی به آسیب‌های عوام‌گرایی کیفری بر فرایند جرم‌انگاری که بیشتر در نوشته‌های این حوزه مورد غفلت واقع شده‌اند توجه شده است. در بحث از پدیده تظاهرنامی به مقبولیت نیز این پدیده از حیث جنبه‌های مثبت و منفی آن و نسبت آن با فریب افکار عمومی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. پدیده تظاهرنامی به مقبولیت نیز از حیث مفهومی دارای نوآوری است که در این مقاله به تمایز آن با عوام‌گرایی کیفری نیز پرداخته شده است و در ذیل بحث از تظاهرنامی به مقبولیت به سوالی که در این مقدمه در بحث امکان یا عدم امکان نادیده گرفتن مقبولیت جرم‌انگاری مطرح شد، پاسخ داده خواهد شد.

در این مقاله ابتدا به پدیده عوام‌گرایی کیفری در بستر توجه به مقبولیت جرم‌انگاری به‌عنوان یکی از چالش‌های عملی توجه به مقبولیت با بررسی ابعاد آن، پرداخته خواهد شد و سپس موضوع تظاهرنامی به مقبولیت در بستر جرم‌انگاری مورد تبیین قرار خواهد گرفت.

۱. تحقق پدیده عوام‌گرایی کیفری در بستر توجه به مقبولیت

توجه بیش از حد به موضوع مقبولیت در فرایند جرم‌انگاری دارای علت‌های مختلفی می‌تواند باشد. رجوع واقعی به آراء و نظر مردم در بستر یک حکومت دموکراتیک یا جلب نظر مردم در راستای دستیابی به اهداف سیاسی مثل پیروزی در انتخابات و یا حتی منحرف نمودن افکار عمومی از یک موضوع مهم‌تر یا تحقق پدیده ترس از جرم و درخواست افکار عمومی برخلاف نظریه‌ها و یافته‌های علمی، همگی می‌تواند جزو عوامل توجه بیش از حد معمول و صحیح به موضوع مقبولیت جرم‌انگاری باشد. پرداختن به علت‌های این موضوع به دلیل آنکه نیازمند شواهد آماری دقیق می‌باشد با توجه به روش این تحقیق از

موضوع این نوشتار خارج است اما این توجه نامعقول به مقبولیت، یافته‌ها و آسیب‌هایی را با خود به همراه دارد که در ذیل بحث از آسیب‌های عوام‌گرایی کیفری به آن پرداخته خواهد شد. در این بخش ابتدا مفهوم پدیده عوام‌گرایی کیفری مورد بررسی و موشکافی قرار خواهد گرفت و سپس به موضوع آسیب‌های عوام‌گرایی کیفری پرداخته خواهد شد.

۱-۱. مفهوم پدیده عوام‌گرایی کیفری

پوپولیسم یا عوام‌گرایی را به‌طور کلی می‌توان به شیوه‌ای کاملاً انتزاعی، مظهر واکنش سیاسی اولیه حکومت‌شوندگان به حاکمان دانست (تارگت، ۱۳۸۱: ۱۶۹). این مفهوم در ریشه خود به‌عنوان مجموعه‌ای از اندیشه‌ها، با سیاست به‌ویژه با سیاست‌های نظام‌های مبتنی بر نمایندگی به‌طور بنیادی ناسازگار است. سیاست از نظر پوپولیسم امری کثیف و فسادانگیز است و باید تنها در اوضاع و احوالی حاد در آن دخالت کرد و بدین مفهوم پوپولیسم می‌کوشد تا از دخالت معمولی در سیاست بپرهیزد (تارگت، ۱۳۸۱: ۱۰). اما پوپولیسم یا عوام‌گرایی در حوزه حقوق کیفری که از آن به عنوان عوام‌گرایی کیفری یاد می‌شود، بنا به تعبیری «رویکردی است که بر اساس آن مقامات سیاست جنایی با تمرکز بر جلب افکار عمومی، سیاست‌ها و برنامه‌هایی را که فاقد مبنای علمی و کارشناسی هستند تدوین و اجرا می‌کنند.» (فرجیه، مقدسی، ۱۳۹۰: ۱۱۶). اتکاء بیش از حد به کسب مقبولیت عمومی در نظام‌هایی که متکی به نمایندگی هستند با انگیزه توسعه مشروعیت، ممکن است حکمرانان را دچار عوام‌گرایی نماید که در حوزه جرم‌انگاری نیز تأثیر مستقیم می‌گذارد، چرا که همان‌طور که بیان گردیده «نوع بینش‌ها و نگرش‌های اجتماعی می‌تواند مجریان عدالت کیفری را در تنگنا و فشارهای کاری و تصمیم‌گیری قرار داده و از مسیر صحیح عدالت خارج بسازد.» (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۷۸: ۱۰۷). در حقیقت فشارهایی که بواسطه افکار عمومی بر سیاست‌گذاران تحمیل می‌گردد از یک سو و لزوم کسب مقبولیت عمومی در راستای اهداف سیاسی از سوی دیگر، سبب می‌گردد تا توجه به افکار عمومی و کسب مقبولیت از حد مجاز و منطقی خود فراتر رفته و تبدیل به پدیده عوام‌گرایی گردد.

افکار عمومی ممکن است با توجه به گسترش احساس ناامنی در یک جامعه، به‌سبب ارتکاب رفتارهایی خاص، حکمرانان آن جامعه را به سوی برخورد کیفری با آن رفتار ترغیب نمایند که این امر در بستر پدیده ترس از جرم قابل بررسی و ارزیابی است (فارال و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۳). همچنین ایجاد آسوده‌دلی و حس انتقام در زیان‌دیدگان یک رفتار نیز می‌تواند عاملی مؤثر در سوق پیدا کردن حکومت به جرم‌انگاری رفتارهای زیان‌رسان باشد. این عوامل تحت تأثیر توسعه رسانه‌ها و به تبع رسانه‌ای شدن رفتارهای ناهنجار، قدرت و نفوذ بیشتری را برای افکار عمومی ایجاد می‌نماید. البته عوام‌گرایی کیفری مختص به حوزه جرم‌انگاری نبوده و در بسیاری از جوامع تحت تأثیر افکار عمومی به کیفرگرایی (چه در بعد سیاست جنایی و چه از منظر گرایش مردم به سوی پاسخ‌های کیفری) منجر می‌گردد (محمودی

جانکی، ۱۳۹۰: ۱۷۵). عوام‌گرایی در حوزه مجازات که می‌توان از آن به عوام‌گرایی سیاست کیفری یاد کرد، سبب می‌گردد تا دست‌اندرکاران حوزه سیاست‌گرایی بواسطه جلب نظر افکار عمومی به تشدید برخوردها به لحاظ شدت مجازات‌ها روی آورد؛ چرا که در میان افکار عمومی، ترس ناشی از ارتکاب جرم در جامعه جز از طریق برخوردهایی شدید و حتی حذف فیزیکی مجرمین، فروکش نخواهد کرد. دلیل این امر آن است که عوام‌گرایی کیفری به دنبال یافتن فرصت‌هایی برای ظهور مجازات مجرمان به منظره‌ای نمادین از اطمینان‌آفرینی و انتقام‌جویی برای شهروندان نظاره‌گر و خوارسازی مجرمان است (پرت، ۱۳۹۳: ۲۷-۲۸).

۱-۱-۱. عوام‌گرایی کیفری واقعی

زمانی که صحبت از یک مفهوم می‌گردد در واقع این مفهوم ناظر بر حقیقت وجودی ناظر بر آن است، با این توضیح که اگر از مفهوم عوام‌گرایی کیفری صحبت به میان می‌آید منظور برابری واقعی و مصادیق بیرونی با آن تعریف و مفهوم است. بنابراین جداسازی مفهومی عوام‌گرایی از این حیث به واقعی و غیرواقعی در بدو امر صحیح به نظر نمی‌رسد. اما هر پدیده واقعی می‌تواند یک واقعیت نابرابر با خود را داشته باشد که هرچند شباهت‌هایی را در برابری با آن مفهوم دارد اما در واقع برابر با آن نبوده و متفاوت می‌باشد. در اینجا ممکن است آن واقعیت نابرابر به‌طور عمدی یا سهوی به‌عنوان مصداق واقعی مفهوم موردنظر جلوه داده شود و در این صورت این امکان وجود دارد تا به‌مرور آن مصداق نابرابر با مفهوم به‌عنوان مصداق حقیقی جلوه کند و در اثر خروج مفهوم از مصداق، حتی معنا و مشخصات مفهوم واقعی را نیز تحت تاثیر خود قرار دهد و باعث گردد مفهوم واقعی یک پدیده نیز به مرور تغییر ساختاری پیدا کند.

مفهوم عوام‌گرایی کیفری نیز از این امر مستثنا نیست و ممکن است تحت تاثیر این فرایند دچار تغییرات مفهومی گردد. لذا در اینجا ضرورت دارد تا مفهوم واقعی آن از حیث برابری با مصداق بیشتر روشن‌سازی شود، و الا مفهوم واقعی در ذیل روشن‌سازی مفهوم عوام‌گرایی در قسمت قبل بازشکافی شد. با توضیح بالا آنچه که از مفهوم عوام‌گرایی کیفری واقعی افاده می‌گردد در حقیقت برابری مفهوم با مصداق‌های واقعی آن پدیده است. به‌عنوان مثال چنانچه خواست عمومی مردم به صورت صحیح یا غیرصحیح (در اثر پدیده ترس از جرم) بر جرم‌انگاری یک رفتار یا تشدید مجازات تعلق گیرد و سیاست‌گذاران تقنینی صرفاً در راستای خواست عمومی و بدون توجه به جنبه‌های علمی و کارشناسی، اقدام به جرم‌انگاری آن رفتار یا تشدید مجازات نمایند، در اینجا عوام‌گرایی کیفری در مفهوم واقعی خود محقق گردیده است که در نفس خود آثار زیان باری را در بر دارد.

در ایران می‌توان تصویب قانون «نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز می‌نمایند» را از مصادیق این مدل عوام‌گرایی کیفری تلقی کرد که در اثر پخش فیلم

نسبت داده شده به یکی از بازیگران زن، احساسات اجتماعی جریحه دار شد و خواست عمومی بر جرم انگاری چنین رفتارهایی تعلق گرفت و در نهایت نیز با تصویب قانون پیش گفته پایان یافت که رویکرد سخت گیرانه در پیش بینی مجازات داشت (آقای نیا، عابد، ۱۳۹۱: ۱۳). همچنین تصویب ماده واحده اصلاح ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی و خروج کلاهبرداری و جرایم در حکم آن و سرقت های تعزیری از ذیل جرائم قابل گذشت را می توان جلوه ای از عوام گرایی کیفری در مفهوم واقعی خود دانست که اساساً در نتیجه توده گرایی و بازتاب نظر مردم در خصوص ناکافی بودن بازدارندگی در این جرایم با وصف قابل گذشت می دانستند، تلقی نمود. بنابراین صرف وجود خواست عمومی و توجه به مقبولیت بدون توجه به ابعاد پیشگیرانه موضوع و جنبه های کارشناسی و علمی در جرم انگاری یک رفتار را به عنوان مصداق عوام گرایی کیفری در زمینه سیاست جنایی تقنینی متأثر از موضوع توجه به مقبولیت می توان تلقی کرد.

۱-۲. عوام گرایی کیفری ظاهری

عوام گرایی ظاهری یا غیر واقعی در حقیقت نقطه مقابل عوام گرایی واقعی می باشد. عوام گرایی ظاهری در حقیقت تظاهر نمایی به خواست مردم و انجام اقدامات نمایشی و غیر مؤثر صرفاً در راستای منحرف کردن افکار عمومی و خواست آنهاست. در اینجا بیان این نکته ضروری است که عوام گرایی ظاهری با مفهوم تظاهر نمایی به مقبولیت که در مباحث آینده به آن اشاره خواهد شد، متفاوت است که در ذیل بحث از تظاهر نمایی به مقبولیت به آن پرداخته خواهد شد. در عوام گرایی ظاهری سیاست گذاران به دو دلیل به جریان خواست عمومی اعتقاد ندارند.

دلیل اول عدم امکان توجه به موضوع مقبولیت به لحاظ ساختاری است که نمود آن را در حاکمیت های پدرسالار می توان مشاهده کرد. دلیل دوم عدم باور به خواست عمومی به عنوان یک خواست صحیح که این امر خود برگرفته از دو مقوله است. یا باور نکردن به دلیل نابرابری خواست عمومی با امور علمی و کارشناسی، صرف نظر از صحت و سقم آن می باشد و یا به جهت ساختار توتالیتر حاکمیت است که از اساس ارزشی برای خواست مردم قائل نیست و نه تنها جنایاتی را نسبت به مردمی که به جنبش توتالیتر تعلق ندارند، مرتکب می شوند بلکه توتالیتریسم پس از استقرار قدرت اقدام به بلعیدن فرزندان خود نیز می کند. (آرنت، ۱۳۹۶: ۴۱) چه این خواست برابر با امر کارشناسی و علمی باشد و چه نباشد اما آنچه که در عوام گرایی ظاهری حائز اهمیت است ضرورت توجه به خواست عمومی حداقل در ظاهر و به صورت سطحی است. در حقیقت عوام گرایی کیفری واقعی زمانی محقق می شود که سیاست گذاران واقعا و صرفاً تحت تاثیر خواست مردم اقدام می نمایند اما در عوام گرایی ظاهری انجام تمایل به خواست مردم نه به دلیل عمل به خواست آن ها بلکه صرفاً در جهت فریب افکار عمومی صورت می پذیرد و هدف غایی آن انحراف افکار عمومی از موضوع به بهانه های دیگر است.

بنابراین در این جریان سیاست‌گذاران آگاهانه دست به انجام اقداماتی می‌زنند تا به مردم نشان دهند که موضوع برای ایشان از اهمیت برخوردار است و دنباله‌رو خواست مردم هستند اما این پیروی از خواست عمومی نه به دلیل پیروی از نظر عامه و بلکه در راستای تحقق اهداف دیگری است. به عنوان مثال ممکن است خواست اکثریت مردم در بحث کنترل جمعیت سگ‌های ولگرد، منع نشدن غذا دهی به سگ‌های ولگرد به دلیل حمایت از حیوانات باشد و دست‌اندرکاران سیاست‌گذاری در این عرصه نیز بر این امر آگاه باشند که با توجه به افزایش جمعیت سگ‌های ولگرد و تاثیر منفی در اکوسیستم، یکی از راه‌های موثر، ممنوعیت انگاری غذا دهی به سگ‌های ولگرد است (محمدنژاد، ۱۴۰۲: ۴۴) اما به دلیل ناتوانی در امور مربوط به ساماندهی سگ‌های ولگرد و یا به دلیل ناتوانی در مدیریت افکار عمومی در بحث راضی ساختن آن‌ها به منع غذا دهی، در ظاهر خود را هم‌سو با خواست مردم در آزادی غذا دهی به سگ‌های ولگرد نشان می‌دهد و در این خصوص نیز اقدامی انجام نمی‌دهد اما برخلاف عوام‌گرایی واقعی در این مدل ظاهری، پیروی از خواست عمومی به دلیل پیروی واقعی از آن نیست بلکه دلایل دیگری دارد. این بعد از عوام‌گرایی در عرصه جرم‌انگاری ممکن است منجر به تصویب قوانین ظاهری گردد که هیچ خواست واقعی از سوی حاکمیت در اجرای آن وجود ندارد.

۱-۲. آسیب‌های عوام‌گرایی کیفری واقعی بر فرایند جرم‌انگاری

عوام‌گرایی کیفری آسیب‌هایی را نیز بر فرایند جرم‌انگاری به نحو صحیح با خود به همراه دارد که اقتضای طی یک فرایند استاندارد جرم‌انگاری، پرهیز از آن را ایجاب می‌نماید. ممکن است جرم دانستن یک رفتار در نظر مردم مقبولیت داشته باشد، ولی هزینه‌های اجرایی آن به قدری سنگین باشد که در عمل آن را نتوان اجرا کرد. همچنین در بعضی موارد ممکن است زشتی یک رفتار از نظر جامعه تأیید شود و افراد جامعه به دنبال ستیز با آن باشند، ولی از راه‌های غیرکیفری امکان رویارویی با آن وجود داشته باشد (بابایی، ۱۳۹۰: ۳۱۱). لذا با توجه به اصل ضرورت در جرم‌انگاری، ضرورتی بر جرم‌انگاری آن رفتار نباشد. این در حالی است که گسترش پدیده عوام‌گرایی کیفری سبب می‌گردد تا به هزینه جرم‌انگاری توجهی نشده و قانون‌گذاران بدون توجه به امکان بهره‌گیری از سازوکارهای غیرکیفری، در بدو امر بواسطه جلب رضایت و مقبولیت عمومی به سراغ جرم‌انگاری بروند. به همین جهت سوءاستفاده ابزاری از قانون و ارائه نکردن راهکار واقعی مسأله بواسطه جرم‌انگاری را می‌توان از جمله آسیب‌هایی دانست که از پدیده عوام‌گرایی کیفری واقعی بر فرایند صحیح جرم‌انگاری وارد می‌گردد که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

۱-۲-۱. سوء استفاده ابزاری از قانون

یکی از مهم‌ترین و بلاواسطه‌ترین آسیب‌های ناشی از عوام‌گرایی کیفری واقعی بر فرایند جرم‌انگاری، استفاده ابزاری از قانون توسط سیاست‌گذاران تقنینی است. ساده‌ترین راه پیشگیری از رفتار ضداجتماعی و

آسیب‌زا به نظم عمومی، جرم‌انگاری و پیش‌بینی مجازات برای آن می‌باشد. وضع یک قانون با یک قیام و قعود توسط نمایندگان مجلس، هزینه آنچنانی برای حاکمیت ندارد و از سوی دیگر از حیث روانی نیز عزم جزم حاکمیت را برای برخورد با آن رفتار ضداجتماعی در ظاهر نشان می‌دهد. وضع مقررات متعدد کیفری و تورم قوانین کیفری در ایران و وجود عناوین متعدد مجرمانه حکایت از آن دارد که تصویب بخشی از قوانین کیفری در ایران نیز از این موضوع پیروی می‌نماید و رئیس قوه قضائیه نیز آن را یکی از اصلی‌ترین عوامل تورم قضایی نیز اعلام نموده اند (خادمی، ۱۴۰۲). ذکر این نکته ضروری است که هرچند برخی از نویسندگان تورم کیفری را نتیجه مستقیم عوام‌گرایی کیفری دانسته اند (صدری خانلو و همکاران، ۱۴۰۱). اما به نظر می‌رسد این پدیده نتیجه مستقیم عوام‌گرایی کیفری تلقی نمی‌شود، بلکه خود نتیجه استفاده ابزاری و یا سوءاستفاده از قانون است.

حاکمیت و سیاست‌گذاران تقنینی با این شیوه در واقع از قانون استفاده ابزاری در راستای کنترل افکار عمومی می‌نمایند بدون آنکه از سازوکارهای دیگر در راستای برخورد با یک رفتار ضداجتماعی بهره جسته باشند. در اینجا وضع قانون حتی می‌تواند صرفاً بیانگر مواضع حاکمیت در خصوص امری باشد. مانند وضع مقرر موسوم به عفاف و حجاب در ایران که برخی از دست‌اندرکاران آن اذعان داشته‌اند که یکی از اهداف آن نشان دادن موضع حاکمیت به مقوله بی‌حجابی است (ر.ک. اقبالی، ۱۴۰۳). این در حالی که است که وضع قانون کیفری می‌بایست بر اساس اصل ضرورت به‌عنوان آخرین راهکار برای مقابله با یک رفتار ضداجتماعی استفاده شود و نه آنکه در گام اول و برای نشان دادن موضع حاکمیت نسبت به یک امری از آن بهره جست (فلاحی، ۱۳۹۳).

۱-۲-۲. حل نکردن واقعی مسأله و بی‌اعتبار نمودن قانون

نتیجه غیرقابل‌انکار و اجتناب ناپذیر استفاده ابزاری از وضع قوانین کیفری در راستای انحراف افکار عمومی، فاصله گرفتن از سازوکارها و راهکارهای واقعی و سازگار با اصول حل مسأله است. پدیده‌های ضداجتماعی و شکننده نظم عمومی دارای علت‌های متفاوت می‌باشند که در چارچوب علت‌شناسی جرم و انحراف در بستر دانش جرم‌شناسی بررسی می‌گردد. پیشگیری از جرم و انحراف صرفاً با سازوکارهای واکنشی امکان‌پذیر نیست و نیازمند سازوکارهای کنشی است که دانش پیشگیری از جرم به آن می‌پردازد. اما آنچه که در این بستر حائز اهمیت است، مواردی است که سیاست‌گذاران تقنینی در برابر واکنش به یک پدیده منحرفانه و مجرمانه به‌جای پرداخت به اقدامات پیشگیرانه که بیشتر دربردارنده هزینه به حاکمیت است و پیامدهای آن بلافاصله بروز نمی‌کند، از وضع قانون کیفری به‌عنوان یک ابزار کم‌هزینه در برابر آن پدیده بهره می‌برند و این وضع قانون در واقع به منظور انحراف افکار عمومی و یا پاسخ به آن صورت می‌پذیرد، بدون آنکه به حل واقعی مسأله کمکی کرده باشد.

در بستر سیاست جنایی تقنینی ایران وضع قانون مبارزه با مواد مخدر را می‌توان از جمله قوانینی تلقی کرد که صرفاً رویکرد واکنشی به موضوع مواد مخدر داشته بدون آنکه به معضل مواد مخدر به صورت حل مساله توجهی داشته باشد و در بحث پیشگیری تنها به وضع یک ماده اکتفا کرده و کلیه امور ناظر بر پیشگیری از اعتیاد و مبارزه با قاچاق مواد مخدر از هر قبیل، اعم از تولید، توزیع، خرید، فروش و استفاده آن‌ها و نیز موارد دیگری که در آن قانون ذکر شده است را بر عهده ستادی به ریاست رئیس‌جمهور قرار داده و کلیه عملیات اجرائی و قضائی و برنامه‌های پیشگیری و آموزش عمومی و تبلیغ علیه مواد مخدر را در این ستاد متمرکز کرده است بدون آنکه به حدود و ثغور آن پرداخته باشد و تصویب نکردن آیین‌نامه اجرایی در خصوص ماده مذکور نیز حکایت از نبود رویکرد اجرایی و کاربردی به ستاد مذکور دارد از سوی دیگر اصلاحات قانون مذکور با رویکرد تشدید در سال ۱۳۸۹ و متعاقب آن اصلاح این رویکرد با تصویب ماده ۴۵ الحاقی و تبدیل مجازات اعدام به حبس خود به تنهایی حکایت از عدم اتخاذ رویکرد احساسی و به دور از تمرکز بر حل واقعی مساله دارد. نتیجه چنین رویکردی روشن است و آن شکست اقدامات صرف واکنشی بدون توجه به ارائه راهکار واقعی در حل مساله و توجه به برطرف کردن راهبندهای اجرای سیاست‌های کلی مبارزه با مواد مخدر در ایران می‌باشد (ر.ک. زالی و همکاران، ۱۳۹۷).

این شکست در عمل و نتیجه که بواسطه کنترل نکردن رفتار شکننده نظم عمومی بروز و ظهور پیدا می‌کند، سبب آن می‌شود که قانون کیفری در کنترل آن رفتار که به موجب آن قانون به جرم تبدیل شده است، شکست‌خورده تلقی شود و بی‌اعتبار گردد. این در حالی است که جرم‌انگاری در کنار سایر سازوکارهای پیشگیری از جرم می‌تواند موثر باشد و دستاویزی به جرم‌انگاری بدون بهره‌گیری از این سازوکارها، نتیجه‌ای جز شکست جرم‌انگاری در کنترل جرم ندارد.

۲. تظاهرنمایی به مقبولیت در بستر جرم‌انگاری

تظاهرنمایی در توجه به موضوع مقبولیت حکایت از توجه سیاست‌گذاران تقنینی به ضرورت توجه به مقوله مقبولیت دارد اما نه از منظر آسیب‌های واقعی ناشی از بی‌توجهی به آن که پیش‌تر به آن پرداخته شد، بلکه صرفاً از باب آسیب‌هایی که در صورت بی‌توجهی به مقبولیت به‌طور مستقیم به حاکمیت صدمه وارد می‌سازد. با این وصف حاکمیت با وجود اشراف و توجه به اهمیت مقوله مقبولیت، در عمل صرفاً سود خود را ترجیح می‌دهد و اقدام به تظاهرنمایی به پذیرش و توجه به مقبولیت عمومی می‌نماید که در ادامه به مفهوم این پدیده و نسبت آن با فریب افکار عمومی و تفاوت آن با پدیده عوام‌گرایی کیفری پرداخته خواهد شد.

۲-۱. مفهوم تظاهر‌نمایی به مقبولیت (مقبولیت صوری)

مقبولیت صوری به معنای نشان دادن وجود مقبولیت نسبت به یک موضوع، پدیده یا شخص در ذهن مردم است. در حالی که این مقبولیت به صورت عام و در بین بیشتر مردم وجود ندارد اما حاکمیت به‌دلایلی سعی در آن دارد که وجود آن را به‌صورت غیرواقعی نشان دهد. این فرآیند می‌تواند در زمینه‌های مختلفی مانند سیاست، تبلیغات، بازاریابی و حتی پیوندهای اجتماعی اتفاق بیفتد. اما در بحث جرم‌انگاری ناظر بر ایجاد گمان وجود مقبولیت نسبت به جرم‌انگاری یک رفتار اجتماعی است. در این فرایند حاکمیت سعی در درست‌انگاری جرم‌انگاری از منظر پذیرش عامه دارد و این در حالی است که این پذیرش به صورت واقعی وجود ندارد. مهم‌ترین ابراز در این راستا استفاده از رسانه‌های جمعی است (قجری، دهقانی، ۱۴۰۰). ایجاد گردهمایی‌های ساختگی و دستوری در راستای حمایت از جرم‌انگاری و بازتاب آن در رسانه‌ها نیز از دیگر راه‌های نیل به این هدف است.

در این فرایند حاکمیت‌ها به‌جای درست‌انگاری جرم‌انگاری از بالا به پایین و فراگرفتن رویکرد دستوری و نشان دادن فهم برتر از مردم و یا درست‌انگاری جرم‌انگاری از طریق دستاویزی به دین و جهان‌بینی، یا در کنار این ابزارها، با قبول ضرورت وجود مقبولیت و پرهیز از آسیب‌های بی‌توجهی به آن، سعی در آن دارد تا اقدام خود در جرم‌انگاری یک رفتار که با اهدافی خاص آن را دنبال می‌کند، برابر با خواست مردم جلوه دهد. در این فرایند، روشن است جرم‌انگاری با اهدافی غیر از حمایت از نظم و منافع عمومی صورت می‌گیرد چرا که به‌دلیل نبود مقبولیت واقعی، نظم عمومی از قبل انجام آن رفتار آسیب نمی‌بیند اما حاکمیت‌ها به‌منظور دست‌یابی به اهدافی خاص، دست به جرم‌انگاری آن رفتار می‌زنند.

۲-۱-۱. نسبت تظاهر‌نمایی به مقبولیت با فریب افکار عمومی

در فرایند تظاهر‌نمایی یا نشان دادن مقبولیت صوری سیاست‌گذاران با استفاده از ابزارهای تبلیغی سعی در نشان دادن وجود مقبولیت عمومی دارند و از شیوه‌هایی همچون رسانه و پخش گزارش از افراد معدود به‌عنوان نمایندگان افکار عمومی، آمارهای ساختگی و مواردی از این دست در نشان دادن مقبولیت ساختگی استفاده می‌نماید. در این شیوه حاکمیت در واقع مقبولیت ساختگی خود را به افکار عمومی به‌عنوان مقبولیت نشان می‌دهد. این مقبولیت در حقیقت یک مقبولیت صوری است که با واقعیت در مغایرت است و به صورت نمایشی از آن بهره‌برداری شده است.

نکته قابل درنگ آن است که انگیزه در ایجاد مقبولیت صوری و تظاهر‌نمایی به مقبولیت می‌تواند مرز بین این پدیده با فریب افکار عمومی باشد. انگیزه در ایجاد مقبولیت صوری همواره انگیزه با جنبه منفی نیست. گاهی به‌دلیل آنکه منافع عامه مردم در انجام یک رفتار مثل نپرداختن مالیات یا عوارض است، جرم‌انگاری یا حتی تخلف‌انگاری شکستن آن با مقبولیت عامه مواجه نیست، اما ضرورت مدیریت جوامع امروزی، گرفتن مالیات و عوارض را امری اجتناب‌ناپذیر ساخته است و لذا حاکمیت‌ها ممکن است،

ناگزیر از نشان دادن مقبولیت صوری در بحث ممنوعیت‌انگاری آن باشند. هرچند حاکمیت‌ها به جای دست‌یازی به مقبولیت صوری، از طریق ابزارهای آموزشی و آگاهی‌رسانی می‌توانند در تلاش برای ایجاد مقبولیت واقعی در خصوص این ممنوعیت‌انگاری‌ها باشند.

اما در مواقعی انگیزه حاکمیت از ایجاد مقبولیت صوری، دستیابی به منافع عموم و به بیان دیگر انگیزه مثبت نیست. حاکمیت ممکن است به‌منظور دست‌یازی به اهداف سیاسی و حزبی و گروهی از ایجاد مقبولیت صوری با استفاده از رسانه‌های جمعی بهره‌برد. از این پدیده می‌توان تحت عنوان فریب افکار عمومی توسط حکومت هم یاد کرد. این پدیده مجموعه اقدامات عمدی و برنامه‌ریزی شده‌ای است که دولت‌ها یا نهادهای حاکم برای دستکاری واقعیت، جهت‌دهی به باورهای مردم، یا پنهان کردن راستی‌ها انجام می‌دهند و در این راستا حتی از تبلیغات رایانشی استفاده می‌نمایند. تبلیغات رایانشی اصطلاحی است که دستکاری افکار عمومی در بستر اینترنت و شبکه‌های اجتماعی را توضیح می‌دهد. این نوع تبلیغات به‌عنوان یک روش ارتباطی، به استفاده از فرمول‌ها، فرایندهای اتوماتیک و البته عامل انسانی برای مدیریت فضای کلی رسانه‌های اجتماعی یا پخش اطلاعات گمراه‌کننده از طریق این شبکه‌ها اطلاق می‌شود (سی وولی، ان‌ها وارد، ۱۴۰۲). این کار معمولاً از طریق ابزارهای مختلفی مانند رسانه‌های دولتی، تبلیغات، سانسور، یا حتی شبکه‌های اجتماعی صورت می‌گیرد. اما این پدیده با پدیده ایجاد مقبولیت صوری با انگیزه مثبت متفاوت است. درحقیقت هر چند ساختار و مفهوم یکسان است اما وجود انگیزه منفی، این پدیده را دارای بار معنایی منفی می‌سازد که از آن تحت عنوان فریب افکار عمومی می‌توان یاد کرد که در ذیل بحث از تظاهرنامایی به مقبولیت منفی به آن پرداخته خواهد شد.

۲-۱-۲. تفاوت تظاهرنامایی با عوام‌گرایی

تظاهرنامایی به مقبولیت یا مقبولیت صوری با عوام‌گرایی کیفی چه در بعد واقعی و چه در بعد ظاهری متفاوت است. این دو پدیده دارای وجوه و اهداف و ویژگی‌های متفاوت از یکدیگر می‌باشند که با وجود شباهت‌های زیاد خصوصاً بین دو مفهوم تظاهرنامایی و عوام‌گرایی ظاهری، دارای تفاوت‌های مبنایی نیز می‌باشند که ممکن است شناسایی و جداسازی این دو پدیده را از هم با دشواری روبرو سازد. تفکیک این دو پدیده در فرایند برنامه‌ریزی و جهت‌دهی به سیاست جنایی تقنینی بسیار اهمیت دارد. لذا می‌بایست تمایز این دو مفهوم به روشنی روشن گردد. در برخورد با پدیده عوام‌گرایی کیفی واقعی می‌بایست سازوکارهایی اتخاذ گردد که از توجه بی‌پایه و اساس و افراطی به خواست مردم که ممکن است در اثر غلبه احساسات و ترس از جرم باشد، جلوگیری شود. همچنین در بحث عوام‌گرایی ظاهری که در آن به‌صورت نمایشی و غیرواقعی به خواست مردم توجه می‌شود، این پدیده منتهی به توجه به خواست عمومی در ظاهر می‌شود اما با انگیزه و اهداف دیگر.

اما در فرایند برخورد با تظاهرنامایی به مقبولیت یا مقبولیت صوری، با توجه به اینکه سیاست‌گذاران به اهمیت و ارزش توجه به مقبولیت آگاه می‌باشند و در واقع دست به فریب افکار عمومی می‌زنند بدون آنکه هیچ پیروی از افکار عمومی در مفهوم واقعی یا ظاهری خود وجود داشته باشد. با این توضیح که بر خلاف عوام‌گرایی کیفری که حاکمیت به صورت واقعی یا ظاهری با خواست عمومی در جرم‌انگاری یک رفتار همراهی می‌کند، در تظاهرنامایی، خواست عمومی بر جرم‌انگاری یک رفتار وجود ندارد، بلکه حاکمیت سعی در آن دارد که به صورت غیرواقعی وجود آن را نشان دهد و اعلام نماید که افکار عمومی با او در بحث جرم‌انگاری همراه است. این سعی همان‌طور که آمد یا با انگیزه مثبت و حمایت از منافع عمومی است و یا با انگیزه منفی و در راستای فریب افکار عمومی که در ادامه نوشتار به آن پرداخته خواهد شد.

۲-۲. ابعاد مثبت و منفی تظاهرنامایی به مقبولیت (مقبولیت صوری)

تظاهرنامایی به مقبولیت یا مقبولیت صوری همان‌طور که آمد دارای دو بعد مثبت و منفی است که این ابعاد بر اساس انگیزه به کارگیری از تظاهرنامایی تقسیم و دارای آثار و کارکرد بسیار متفاوت خواهند بود. در بعد مثبت این تظاهرنامایی در مقام حفظ و حمایت از منافع عمومی به کار بسته می‌شود و در بعد منفی در مقام فریب افکار عمومی و سوءاستفاده از آن، هر یک از این مفاهیم دارای حدود و ثغور مختص به خود می‌باشند که خلط آن می‌تواند راه سوءاستفاده را توسط حاکمیت‌های اقتدارگرا باز نماید. به عنوان یک اصل کلی در دانش سیاست، حاکمیت باید با صداقت و شفافیت با مردم رفتار نمایند (باک، ۱۳۹۳: ۹، ۵۳). که ارسطو در کتاب اخلاق خود در بحث از فضیلت صداقت و نقش آن در حکمرانی بر آن تاکید کرده است (ر.ک. ارسطو، ۱۴۰۲). حضرت علی (ع) نیز صداقت حاکمان را شرط اساسی اعتماد عمومی و عدالت اجتماعی می‌داند و فریبکاری را خصلتی ناپسند و ویرانگر می‌شمرد (رضی، نامه ۵۳).

بنابراین تظاهرنامایی در اصل با توجه به آنکه مبتنی بر پایه فریب افکار عمومی نمود پیدا می‌کند، امری برخلاف اصل صداقت و نکوهیده است و منفی تلقی می‌شود. اما به طور استثنایی در برخی از موارد ممکن است حاکمیت‌ها در راستای رویکرد پدرسالاری و یا شناسایی و به‌شماری منافع از این پدیده به صورت مثبت و در مقام منافع عمومی بهره ببرند که در ادامه در قالب دو بعد مثبت و منفی تظاهرنامایی به مقبولیت به آن پرداخته خواهد شد.

۲-۲-۱. مقبولیت صوری از بعد مثبت

همان‌طور که آمد تظاهرنامایی به مقبولیت در اصل با توجه به آنکه مبتنی بر فریب افکار عمومی نمود پیدا می‌کند، امری نکوهیده و برخلاف اخلاق است و منفی تلقی می‌شود. اما به طور استثنایی در برخی از موارد ممکن است در مقام به‌شماری منفعت عمومی بر منافع شخصی افراد و غلبه نفع جمعی،

سیاست‌گذاران از تظاهرنمایی به مقبولیت بهره ببرند. گاه حاکمان بعضی شرایط خاص را دشوارتر و دردناک‌تر از آن می‌بینند که بیشتر مردم بتوانند عاقلانه با آن کنار بیایند برای مثال ممکن است معتقد باشند که کشورشان باید برای چالش‌های درازمدت بسیار مهمی چون: جنگ، بیماری همه‌گیر یا قناعت در رویارویی با کمبودهای آینده آماده شود. با این همه، ممکن است بترسند از این که شهروندان فقط قادر باشند با خطرات کوتاه‌مدت ستیز کنند. فریب در چنین مواقعی ممکن است به نظر رهبران حکومت تنها راه دستیابی به پیامدهای لازم باشد (باک، ۱۳۹۳: ۱۸۸).

بنابراین هرچند که دروغ‌گویی در فضای بین حاکمان و مردم امری نکوهیده است و اصل بر شفافیت و صداقت است اما اقتضای به‌شماری منافع عمومی در برخی اوقات توجیه‌گر دستاویزی به دروغ نزد حاکمان خواهد بود. اما با توجه به استثنایی بودن این امر، می‌بایست به‌طور محدود از آن استفاده شود تا زمینه سوءاستفاده حاکمان از مردم را فراهم نسازد چراکه امکان شناسایی بین آنکه یک امر دروغ توسط حاکمیت بر اساس غلبه منافع عمومی است یا منافع حاکم، امری دشوار است. لذا حاکمیت‌ها در اصل می‌بایست در راستای ارتقای آگاهی افراد در این خصوص گام بردارند تا برتری منافع عمومی به منافع شخصی به عنوان یک امر پذیرفته‌شده تلقی شود و ممنوعیت‌انگاری در راستای دستیابی به آن همراه با مقبولیت عمومی باشد. اما این امر نیازمند یک برنامه بلندمدت در زمینه آموزش و توسعه اخلاق عمومی و برتری دادن آن به منافع شخصی است، لذا تا زمان دستیابی به آن ممکن است تظاهرنمایی به مقبولیت در بعد مثبت خود به‌صورت استثنایی قابل‌پذیرش باشد.

به‌عنوان مثال در بحث ممنوعیت‌انگاری رفتارهای آسیب‌زننده به محیط زیست ممکن است افکار عمومی به‌دلیل غلبه منافع شخصی مثل: بهره‌بری از آب در کشاورزی یا استفاده حداکثری و آسیب‌زا از جاذبه‌های توریستی به‌دلیل منافع اقتصادی شخصی، با این ممنوعیت‌انگاری چه در قالب جرم‌انگاری و یا تخلف‌انگاری مخالف باشد، اما اتخاذ سیاست‌های مبتنی بر مفهوم توسعه پایدار به‌عنوان توسعه‌ای که نیازهای نسل فعلی را بدون به خطر انداختن توانایی نسل‌های آینده در برآورده کردن نیازهای خود تأمین کند (Gro Harlem Brundtland, 1987)، ضرورت وجود چنین ممنوعیت‌هایی را ایجاب می‌نماید. بنابراین حاکمیت‌ها در این راستا ممکن است دست به تظاهرنمایی به مقبولیت در بعد مثبت خود بزنند چرا که همواره انجام امری که به ظاهر مورد قبول اکثریت است، منطقی و عقلانی‌تر به نظر می‌رسد.

۲-۲-۲. مقبولیت صوری از بعد منفی

استفاده از تظاهرنمایی به مقبولیت در بعد منفی خود سبب می‌گردد تا حاکمان از طریق دستاویزی به تظاهرنمایی در تلاش برای برای فریب افکار عمومی برآیند تا عامه مردم را با محدودیتی که بواسطه جرم‌انگاری اعمال می‌نمایند، همراه نشان دهند و این در حالی است که اعمال این محدودیت‌ها از ریشه در راستای منافع عموم مردم نیست. همان‌طور که در بحث از نسبت تظاهرنمایی به مقبولیت با فریب

افکار عمومی آمد، حاکمیت ممکن است به منظور دست‌یازی به اهداف سیاسی و حزبی و گروهی، از ایجاد مقبولیت صوری با استفاده از رسانه‌های جمعی یا سایر ابزارها بهره ببرد. در این فرایند آنچه که هدف غایی از تظاهرنمایی به مقبولیت تعیین می‌گردد، دستیابی به منافع عمومی نیست، بلکه بهره‌بری حداکثری در راستای منافع شخصی یا گروهی و حزبی است. گاهی نیز طبقه حاکم و سیاست‌گذاران تقنینی برای رسمیت و عینیت بخشی به ایدئولوژی رسمی و تحمیل آن بر عموم از این ابزار استفاده می‌نمایند تا افکار عمومی را با جهان‌بینی رسمی همراه نشان دهند. ابزاری که حکومت کره شمالی به عنوان مثال در همسو نشان دادن ملت خود با حفظ میراث هسته ای از آن استفاده می‌نماید و رهبر آن کشور کیم جونگ ایل داشتن تسحیلات هسته ای را حتی از یک استراتژی ملی فراتر می‌داند. (پاک، ۱۴۰۰: ۸۴)

در این فرایند تظاهرنمایی به مقبولیت هیچ دلیل قابل‌پذیرش ندارد و بنابراین با توجه به آنکه برابر با حفظ منافع عمومی نیز نمی‌باشد از درون دچار یک ناسازی آشکار است. از یک سو سعی در نشان دادن مقبولیت عمومی وجود دارد و از سوی دیگر، آنچه که بر آن به عنوان جرم‌انگاری یک رفتار تأکید می‌شود، در مقام حفظ منافع عمومی نیست و بلکه منافع گروهی یا شخصی را تأمین می‌نماید یا در مقام حمایت از جهان‌بینی رسمی است. نتیجه این تضاد ایجاد خشم عمومی در راستای عریان‌سازی حقیقت است که خروجی اجتناب‌ناپذیر تظاهرنمایی به مقبولیت در بعد منفی آن است. این فرایند سبب آن می‌شود که عموم مردم محدودیت‌های ناشی از جرم‌انگاری را تاب بر ندارند و آن را عادلانه تلقی نکنند و در راستای نقض آن اقدام کنند. بروز این نارضایتی را می‌توان در چارچوب اعتراض‌های مدنی نیز یافت؛ چرا که اعتراض مدنی را به عنوان مقاومت مسالمت‌آمیز در برابر قوانین یا سیاست‌های ناعادلانه تعریف نموده‌اند (King Jr, 1963).

نتیجه‌گیری

با پذیرش ضرورت توجه به مقبولیت عمومی در جرم‌انگاری به عنوان یک اصل و توجه به آسیب‌های بی‌توجهی به آن، موضوع چالش‌های عملی در فرایند توجه به مقبولیت جرم‌انگاری پدیدار می‌گردد. چالش‌های عملی موجود در مسیر توجه به مقبولیت جرم‌انگاری را می‌توان در وهله اول به موضوع پدیده عوام‌گرایی کیفری معطوف نمود. عوام‌گرایی کیفری به عنوان پدیده‌ای که در اثر توجه غیرضابطه‌مند به خواست عمومی در جرم‌انگاری یا عدم جرم‌انگاری پدیدار می‌گردد، تأثیر مستقیم بر سیاست جنایی تقنینی و به تبع آن آسیب‌هایی را بر فرایند جرم‌انگاری باقی خواهد گذاشت. عوام‌گرایی کیفری به دو بعد واقعی و ظاهری تقسیم می‌شوند. در بعد واقعی سیاست‌گذاران تقنینی تحت تأثیر خواست عمومی و بدون توجه به سایر دلایل در درست‌انگاری جرم‌انگاری، دست به جرم‌انگاری یک رفتار می‌زنند. اما در بعد ظاهری هر چند در عمل خواست عمومی در جرم‌انگاری محقق می‌شود اما این تحقق در نتیجه توجه واقعی به

خواست عمومی نیست و حاکمیت دلایل دیگری را در این امر دنبال می‌کند و تنها در ظاهر، جرم‌انگاری را در نتیجه خواست عمومی جلوه می‌دهد. اما پدیده دیگری که به‌عنوان چالش عملی در پیوند با توجه به مقبولیت جرم‌انگاری ممکن است بروز و ظهور کند، تظاهرنامایی به مقبولیت است. مفهوم تظاهرنامایی با مفهوم عوام‌گرایی بیشتر در بعد ظاهری شباهت‌هایی دارد اما به‌عنوان دو مفهوم جدا از هم تلقی می‌شوند. در تظاهرنامایی، حاکمیت‌نمایشی در خصوص وجود مقبولیت جرم‌انگاری یک رفتاری از طریق ابزارهای رسانه‌ای خود اجرا می‌کند و از این طریق دست به فریب افکار عمومی می‌زند و به دروغ افکار عمومی را با جرم‌انگاری آن رفتار موافق و هم‌سو نشان می‌دهد. این در حالی است که برخلاف پدیده عوام‌گرایی، در تظاهرنامایی هیچ خواست عمومی وجود ندارد. در بحث از پدیده تظاهرنامایی به مقبولیت، با توجه به آنکه این پدیده همواره با فریب افکار عمومی همراه است، در ناسازی با اصل ضرورت وجود صداقت بین حاکمیت و مردم قرار می‌گیرد و به‌عنوان یک پدیده منفی تلقی می‌گردد. اما در برخی موارد استثنایی که خواست عمومی به دلیل برتری منافع شخصی خود بر منافع عامه، با ممنوعیت‌انگاری و جرم‌انگاری یک رفتار آسیب‌زننده به منافع عمومی هم‌سو نیست و حاکمیت فرصت آموزش و آگاهی‌بخشی را جهت ایجاد مقبولیت عمومی ندارد، ممکن است به دلیل غلبه منافع عمومی و حفظ و حمایت از آن، تظاهرنامایی به مقبولیت وجه مثبت به خود گیرد. شناخت این چالش‌های عملی در مسیر توجه به مقبولیت عمومی در جرم‌انگاری و تفکیک آن‌ها از یکدیگر سبب می‌گردد تا همواره همسو شدن با خواست عمومی چه به صورت واقعی و یا ظاهری، با اتکا به توجه به مقبولیت توجیه نگردد و لذا گام اول در برون رفت از این چالش‌ها، شناخت پدیده‌هایی است که در این مقاله به عنوان چالش‌ها از آن یاد و سعی در تبیین آن شد و همچنین ضابطه نمودن توجه به مقبولیت عمومی در بستر جرم‌انگاری با پرهیز از حرکت به سوی این پدیده‌ها می‌باشد تا در نتیجه حاصله در فرایند جرم‌انگاری، دست‌یابی به یک مقبولیت عمومی ضروری و منطقی حاصل گردد.

فهرست منابع کتاب

- ارسطو (۱۴۰۲)، اخلاق، تدوین و ترجمه رضا مشایخی، چاپ اول، تهران: انتشارات آگاه.
- آرنت، ها نا (۱۴۰۲)، خشونت و اندیشه‌هایی درباره سیاست و انقلاب، ترجمه عزت‌الله فولادوند، چاپ چهاردهم، تهران: انتشارات خوارزمی.
- آرنت، ها نا (۱۳۹۶)، توتالیتاریسم، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ هفتم، تهران: انتشارات ثالث.
- بابائی، محمدعلی (۱۳۹۰)، جرم‌شناسی بالینی، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
- باک، سیسلا (۱۳۹۳)، دروغ‌گویی، ترجمه احمد علیقلیان، چاپ اول، تهران: نشر نو.

پاک، جونگ اچ (۱۴۰۰)، کیم جونگ اون شدن، ترجمه زینب کاظم خواه، چاپ دوم، تهران: انتشارات ثالث.

پرت، جان (۱۳۹۳)، پوپولیسیم کیفری (از ساختار تا گریز از عوام‌گرایی)، ترجمه مجید شعبانی و مسعود باقری، چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل.

تارگت، پل (۱۳۸۱)، پوپولیسیم، ترجمه حسن مرتضوی، چاپ اول، تهران: انتشارات آشیان.

رضی، سید (بی‌تا)، نهج البلاغه، نامه ۵۳، خطبه ۲۱۶، حکمت ۴۷۳.

فارال، استفن، جکسون، جاناتان و گری، امیلی (۱۳۹۲)، نظم اجتماعی و ترس از جرم در دوران معاصر، ترجمه حمیدرضا نیکوکار، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.

فلاحی، احمد (۱۳۹۳)، اصل ضرورت در جرم‌نگاری، چاپ اول، تهران: انتشارات دادگستر.

ماکیاویلی، نیکولو (۱۳۹۳)، شهریار، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، چاپ اول، تهران: نشر مصدق.

وولی، ساموئل سی وها وارد، فیلیپ ان (۱۴۰۲)، دستکاری در رسانه‌های اجتماعی (پروپاگاندا ی رایانشی)، ترجمه عباس رضایی ثمرین و رسول صفراهنک، چاپ اول، تهران: انتشارات همشهری.

مقاله

آقای‌نیا، حسین و عابد، رسول (۱۳۹۱)، «تحلیل و مقارنه‌ای میان قانون جرائم رایانه‌ای و قانون سمعی-

بصری»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، دوره ۱۷، شماره ۵۹، ۱۳-۵۲.

حاجی ده‌آبادی، محمدعلی (۱۳۷۸)، «ارتباط اخلاق و سیاست جنایی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق

جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه مفید، قم.

زالی، سلمان، دانایی فرد، حسن و عطاردی، محمدرضا (۱۳۹۷)، «واکاوی الگوی موانع اجرای

سیاست‌های کلی مبارزه با مواد مخدر در ایران»، فصلنامه راهبرد، شماره ۸۸، سال ۲۷، صص ۱۸۵-

۲۱۵.

صدری خاتلو، علی، شاملو، باقر و نجفی توانا، علی (۱۴۰۱)، «مبانی عوام‌گرایی کیفری و پیامدهای آن در

سیاست جنایی»، فصلنامه کارگاه، سال ۱۶، شماره ۵۹، صص ۱۰۱-۱۲۱.

فرجیها، محمد و مقدسی، محمدباقر (۱۳۹۰)، «رویکرد عوام‌گرایی کیفری به جرائم جنسی»، مجله

پژوهش‌های حقوق تطبیقی، شماره ۲، صص ۱۱۳-۱۳۲.

قجری، حسینعلی و دهقانی، نوید (۱۴۰۰)، «نقش رسانه‌ها در شکل‌دهی به افکار عمومی»، ششمین

همایش بین‌المللی مدیریت حسابداری، اقتصاد و علوم اجتماعی، همدان. قابل دسترسی در

<https://civilica.com/doc/1486370>

محمودی جانکی، فیروز، و مرادی حسن آبادی، محسن، (۱۳۹۰)، افکار عمومی و کیفرگرایی، مطالعات

حقوقی (علوم اجتماعی و انسانی شیراز)، شماره ۳، ۱۷۵-۲۱۴.

محمدنژاد، محمد، (۱۴۰۲)، مروری بر چالش‌ها و روش‌های کنترل سگ‌های پرده زن آزاد در محیط زیست شهری، نشریه پژوهش درایمنی سلامت و محیط زیست، شماره ۴، ۳۴-۴۶.

سایت‌ها

فارسی

خادمی، فرهاد، (۱۴۰۲)، سران سه قوه و معضلی به نام عناوین مجرمانه، سیاست روز.

<https://www.siasatrooz.ir/fa/report/127638>

اقبال، ابوالفضل، (۱۴۰۳)، مناظره محسن برهانی و ابوالفضل اقبالی درباره قانون عفاف و حجاب، کانال

<https://www.youtube.com/watch?v=Tf5OYsaUMA> آزاد.

انگلیسی

Gro Harlem Brundtland. (1987). *Report of the World Commission on Environment and Development: Our Common Future*. United Nations.

<https://sustainabledevelopment.un.org/content/documents/5987our-common-future.pdf>

King Jr., M. L. (1963, April 16). *Letter from a Birmingham Jail*. African Studies Center - University of Pennsylvania; University of Pennsylvania.

https://www.africa.upenn.edu/Articles_Gen/Letter_Birmingham.html



Practical Challenges of Iran's Legislative Criminal Policy in Considering the Acceptability of Criminalization

Meysam Mahdavishanaghi *

Shadi Azimzadeh **

Alireza Jamshidi ***

Abstract

Paying attention to public acceptance of criminalization in the context of legislative criminal policy is essential, and ignoring it will cause harm. However, paying attention to the acceptability of criminalization in the context of practice also comes with challenges that legislative policymakers face. One of the most important challenges is the transformation of attention to public will into criminal populism, which will cause harm to the criminalization process. The results of this article indicate that by accepting the general acceptability of crime as a necessity, the ground for the creation of criminal populism in its true sense may be created, or the alignment of the government with the public will may be achieved with other motives that only resemble criminal populism, which can be referred to as apparent populism. On the other hand, paying attention to public will may become only a show on the part of the government and lead to deception of public opinion, which in some cases takes on a positive aspect in the form of protection of public interests.

Keywords

Legislative Criminal Policy, Acceptability of Criminalization, Penal Populism, Showing Acceptance.

* Department of Criminal Law and Criminology, Central Tehran branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: meysam.mahdavishanaghi@iau.ac.ir

** Department of Criminal Law and Criminology, Central Tehran branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author), Email: dr.shadiazimzadeh@iau.ac.ir

*** Department of Criminal Law and Criminology, Central Tehran branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: alireza.jamshidi41@iau.ac.ir

Extended Abstract

The concept of acceptability:

The maximum acceptance of the criminalization of a behavior by the addressees of that law can generally be defined as the acceptability of criminalization. Of course, there are always people who break the criminal law for reasons that criminology identifies, But the general acceptability of criminalization means that the public opinion of those who are addressed by the criminal law is in line with the criminalization of that behavior. In other words, the acceptability of criminalization means the maximum satisfaction of the addressees of the criminal law regarding the criminalization itself, regardless of the crime statistics.

Although the acceptability of criminalization is a quantitative and not a qualitative concept, given that the level and statistics of the acceptability of criminalization cannot be achieved based on crime statistics. It is also important to note that the acceptability of criminalization, which is defined based on the maximum acceptance of the audience of the law and in a sociological context, is distinct from the concept of legal acceptability. Criminalizing a behavior based on criminal science data, including criminology and crime prevention, may be scientifically acceptable and justified But in a social context, it may not be accepted by the legal audience. Therefore, what is explained in this article about the concept of acceptability is not legal acceptability.

Paying attention to the public acceptability of criminalization in the context of legislative criminal policy is essential, and ignoring it will cause harm. However, paying attention to the acceptability of criminology, regardless of its theoretical foundations, is also accompanied by challenges in the context of practice that necessitate its identification and separation from negative phenomena resulting from unregulated or formal attention to the general acceptability of criminology. By accepting the necessity of considering public acceptability when criminalizing a behavior, legislative policymakers face challenges in practice and in the context of considering acceptability. By accepting the necessity of considering public acceptability in criminology as a principle and paying attention to the harms of ignoring it, the issue of practical challenges in the process of considering the acceptability of criminology emerges.

The practical challenges in addressing the acceptability of criminalization can be focused primarily on the issue of the phenomenon of criminal populism. Another phenomenon that may emerge as a practical challenge in relation to the acceptability of criminalization is the pretense of acceptability.

The purpose of this research:

Is to address and explain the practical challenges of legislative policymakers in addressing the acceptability of criminalization in the criminal lawmaking process. Practical challenges refer to the challenges that legislative policymakers will face after leaving the theoretical realm in the real context and in the implementation stage. Challenges related to the way in which acceptance is addressed and its implementation mechanism, and the harms that will arise in light of acceptance, may even manifest acceptance in an apparent and unrealistic way, or may take control and management of legislative policymaking out of the hands of politicians and trap them in populism.

This research was conducted using:

A descriptive and analytical method and data collection tools using library and digital resources, which include Iranian criminal laws and regulations in the pre- and post-revolutionary periods, detailed parliamentary debates, and scientific books and articles.

The findings of this study indicate:

That one of the most important practical challenges in converting attention to public will and the acceptability of criminology is the realization of the phenomenon of criminal populism, which will cause damage to the correct process of criminology. On the other hand, the government may benefit from a phenomenon called demonstrativeness in order to deceive public opinion in the context of showing attention to public opinion

This article attempts to address the concept of criminal populism in its two dimensions, apparent and real, as well as its difference from pretending to be acceptable, and also the distinction between pretending to be acceptable in its positive and negative aspects, to reach the conclusion that merely accepting the public acceptability of crime as a necessity may create the basis for criminal populism in its true sense. Or, alignment with public will may be achieved by the government with other motives, which can be called apparent populism. On the other hand, paying attention to public will may only become a show on the part of the government and lead to deceiving public opinion, which in some cases takes on a positive aspect in the form of supporting public interests